



رعایت مدت زمان معقول فرایند کیفری از منظر بایسته‌های حقوق بشر*

مجید مطلبی - دکتر حمیدرضا میرزاجانی
دکتر قاسم قاسمی - دکتر نادر نوروزی



This is an open access article under the CC BY license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

در اکثر نظام‌های حقوقی دنیا، دادرسی عادلانه از اهم مطالبات ملت‌ها است. رکن رکن دادرسی عادلانه، رعایت حقوق دفاعی متهم است که مدت معقول فرایند کیفری از جمله آن است. این مرحله از شروع تعقیب تا اجرای حکم را شامل می‌شود. طول این مدت در دادرسی اهمیت ویژه‌ای دارد زیرا اگر مدت معقول فرایند کیفری معین نباشد یا ضابطه‌ای برای آن مشخص نگردد، یقیناً برخی از حقوق متهم سلب یا محدود خواهد شد. همچنین، روند قضایی را به نسبت سلاقی قضات، متفاوت نموده و نهایتاً موجب نقض حقوق دفاعی متهم و حتی شاک می‌گردد. مسأله این است که رویکرد حقوق ایران و اسناد بین‌المللی نسبت به مدت معقول فرایند کیفری چگونه است؟ این مقاله قصد دارد تا به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، ضمن اشاره به مبانی و بایسته‌های حقوق بشری با هدف بررسی علل اطاله دادرسی و ارائه رهیافت‌های نوین، وضعیت مدت معقول در فرایند کیفری را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد. آنچه از مجموع بررسی‌های پژوهش حاضر می‌توان یافت اینکه اگرچه در اسناد بین‌المللی حقوق بشری، ضابطه مشخصی برای تعیین مدت معقول فرایند کیفری وجود ندارد؛ لیکن عوامل گوناگون تاثیرگذار در

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی مجید مطلبی با راهنمایی دکتر حمیدرضا میرزاجانی است.
— دانشجوی دکتری گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. / ایمیل: majid.motallebi@srbiau.ac.ir
— (نویسنده مسئول)، استادیار، عضو هیأت علمی گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و زبان‌های خارجی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران / ایمیل: hamidrezamirzajani@mshdiau.ac.ir
— استادیار، عضو هیأت علمی گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
— استادیار، عضو هیأت علمی گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

این فرایند از قبیل: مقررات داخلی، پیچیدگی پرونده، نوع اتهام، اعمال مقامات قضایی و غیره را مورد توجه قرار داده‌است. اما قانونگذار ما بدون اشاره به عوامل مذکور، صرفاً با اکتفاء به اشارات مجمل «رسیدگی در اسرع وقت»، تمایلی به تعریف، تبیین و ذکر بایسته‌های نوین مدت معقول فرایند کیفری نشان نداده‌است.

کلیدواژگان

مدت معقول دادرسی، بایسته‌ها، دادرسی عادلانه، فرایند کیفری، رهیافت‌های نوین

مقدمه

رعایت مهلت معقول و تسریع فرایند کیفری از موارد بسیار مهم دادرسی عادلانه است. تاخیر در فرایند کیفری، برخی حقوق اصحاب دعوی، به ویژه متهم را محدود و حتی در مواردی سلب می‌کند و چنانچه در اثر این خلا قانونی، رویه قضایی متفاوتی اتخاذ گردد آن وقت دیگر نمی‌توان از دادرسی عادلانه سخن گفت. برای اینکه مقنن قانونی وضع کند که مطابق با استانداردهای دادرسی عادلانه باشد باید به ارکان و اصول دادرسی عادلانه، به ویژه مدت معقول فرایند کیفری به عنوان یکی از اصول راهبردی دادرسی عادلانه، آگاه باشد و مبنای وضع قانون، آنهم از منظر حقوق بشر با ضابطه‌ای مشخص، تبیین گردد؛ در اینصورت وضع و اجرای قانون به سهولت انجام می‌پذیرد. مسأله این است که رویکرد قانونگذار ایران و اسناد بین‌المللی نسبت به مدت معقول فرایند کیفری چگونه است؟ چه اینکه تطابق یا عدم تطابق با این بایسته‌ها، حسب مورد موجب ابعاد مختلف مثبت و منفی خواهد بود و نتیجه آن یا نقض حقوق دفاعی اشخاص است و یا حمایت از آن. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، در چهار قسمت بیان شده‌است در قسمت اول، پیشینه تحقیق با توجه به مولفه‌های موجود در حوزه موضوع مقاله پرداخته شده‌است. در قسمت دوم ابتدا به چارچوب مفهوم شناسی پرداخته و سپس به مبانی حقوق بشری این حق اشاره شده‌است. در قسمت سوم تاریخچه بایسته‌های رعایت مدت زمان معقول فرایند کیفری با گریزی به حقوق داخلی و اسناد بین‌المللی ذکر شده‌است و در قسمت چهارم ضمن بررسی رویکرد نظری حقوق داخلی و اسناد بین‌المللی اعم از اسناد جهانی و منطقه‌ای، به رهیافت‌های نوین حقوق بشری، نیز دست یافتیم و در پایان نتیجه‌گیری و پیشنهادات لازم ارائه شده‌است. در بدو امر آنچه به عنوان فرضیه قابل طرح است اینکه هرچند در اسناد بین‌المللی، ضابطه مشخصی برای تعیین مدت معقول فرایند کیفری وجود ندارد لیکن عوامل تاثیرگذار در این فرایند از قبیل مقررات داخلی، پیچیدگی پرونده، نوع اتهام، اعمال متهم و مقامات قضایی و غیره مورد توجه قرار گرفته‌است. حتی در برخی از اسناد، برای دولت خطای

عضوآن کنوانسیون، ضمانت اجرای سختی تعیین نموده است. اما قانونگذار ما در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با الحاقات و اصلاحات بعدی (۱۳۹۴) بدون لحاظ عوامل مذکور، حتی به رعایت مدت معقول نیز توجهی نکرده و صرفاً با اشارات مجمل از قبیل «اسرع وقت»، «به سرعت»، «فوری» و «کوتاه ترین مهلت ممکن» بسنده کرده است^۱ و تمایلی به تعریف، تبیین و ذکر بایسته‌های نوین مدت معقول فرایند کیفری نشان نداده است که این امر به معنای عدم توجه به مبانی آن حق است؛ به طور یقین این مسامحه، حقوق دفاعی اشخاص را به مخاطره می‌اندازد. لذا ضروری است تا با نگاهی دقیق به مبانی این حق، به رهیافت‌های نوین حقوق بشری در این عرصه دست یابیم.

۱- پیشینه

نوریان و سلیمی (۱۳۹۶)، مقاله‌ای با عنوان «مهلت معقول در مرحله پیش دادرسی کیفری از سازوکارهای اعمال تا ضمانت اجرای نقض» از منظر فقهی و جرم‌شناسی موضوع را مورد بررسی قرار داده که صرفاً به مباحث نظری فقهی پرداخته شده و به قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی اشاره‌ای نشده است. لذا مقاله حاضر به مبانی و بایسته‌های حقوق بشری این حق می‌پردازد. صابر و ناظریان (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «مهلت معقول دادرسی در دیوان کیفری بین‌الملل و آراء دادگاه اروپایی حقوق بشر»^۲ به تبیین و بررسی عوامل دخیل در مدت معقول دادرسی کیفری در این دو مرجع به صورت تطبیقی پرداخته است و مبانی حقوق بشری در اسناد بین‌المللی و حقوق ایران سخنی به میان نیامده است. هرچند از بعد کاربردی مقاله مفیدی است لیکن مقاله حاضر، به بایسته‌های حقوق بشری این اسناد می‌پردازد.

هنزلین و رودرف (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با عنوان «طول مدت دادرسی کیفری از نظر دادگاه اروپایی حقوق بشر چه زمانی نامعقول می‌شود؟» این اثر صرفاً حالت‌های خروج از مدت معقول با تاسی از آراء دادگاه اروپایی را بررسی کرده، که از نظر کاربردی بسیار مفید است ولی به مبانی و بایسته‌های حقوق بشری ایجاد این حق، نپرداخته است. لیکن به دنبال این پژوهش، می‌توان جهت تعیین مدت معقول، از آن اثر الهام گرفت. روآگنا (۲۰۱۸) در اثر خود با عنوان «حق محاکمه در زمان معقول طبق ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر» به بررسی مهلت معقول دادرسی از منظر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و نیز باز تعریف آن اشاره داشته در واقع صرفاً به ضرورت تسریع در محاکمه پرداخته و سخنی از مبانی این حق به میان نیاورده است. جامعیت تحقیق حاضر

^۱ . به طور نمونه ماده ۴۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، برای دادگاه ناقض مفاد کنوانسیون جبران عادلانه خسارت بزه دیده را پیش بینی نموده است.

^۲ . به ویژه مواد ۳، ۵ و ۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با الحاقات و اصلاحات بعدی (۱۳۹۴)

^۳ . European Court of Human Rights

و ژرف‌نگری آن در بررسی مبانی و بایسته‌های حقوق بشر است چه اینکه با درک آن، قانونگذار بر ضرورت یکسان‌سازی قواعد دادرسی پی‌برده و به استانداردهای دادرسی عادلانه دست می‌یابد.

۲- چارچوب مفهوم شناسی

زمان متناسب برای انجام عمل معین را مدت معقول، متعارف و مطلوب می‌نامند. «این عبارت هم در زبان انگلیسی^۱ و هم در زبان فرانسه^۲ تحت عنوان مدت زمان معقول به کار برده شده‌است» (Jafarilangeroudi. 2001: 630). این زمان در کنار سایر حقوق دفاعی، همچون اصل برابری سلاح^۳، اصل علنی بودن دادرسی^۴، اصل محاکمه حضوری^۵ و ... شاکله دادرسی عادلانه را پی‌ریزی می‌نماید. «تحقق هر بزه که شخصی را در مظان اتهام قرار می‌دهد، مستلزم شناسایی حالات و ابعاد مختلف موثر در موضوع است.» (Gholizadeh. Mirzajani. 2017: 112) و عناصر مورد توجه در نقض این حق متأثر از مقررات داخلی، پیچیدگی پرونده و فنی بودن برخی موضوعات و «نبود سیستم یکپارچه دادگستری و سایر مراجع دخیل در فرایند کیفری، نداشتن نیروی متخصص، اعمال متهم و مقامات صلاحیت دار می‌باشد» (Leach. 2017: 398-399).

تسریع رسیدگی، صدور حکم و اجرای آن، خواسته به‌حق اشخاص است و حتی در اسناد بین‌المللی هم با عنوان «مهلت معقول» بر آن تأکید شده‌است. رعایت این مدت از مهم‌ترین سازکارهای نظام عدالت کیفری در جهت حمایت از حقوق بزه‌کار، بزه‌دیده و حتی به نفع نظام عدالت کیفری است. «حقوق کیفری در غنا بخشی و تحقق حقوق بشر و آزادی‌های اساسی نقش تعیین‌کننده دارد» (Molaverdi. 2016: 119). از سوی دیگر همانگونه که «بکاریا بیان داشته است وقتی ادله جرمی محرز و به وقوع جرم یقین حاصل شده‌است، باید فرصت و امکانات لازم به متهم داد تا براءت خود را اثبات کند ولی این فرصت باید به قدر ضرورت کوتاه باشد تا از سرعت اجرای کیفرکاسته نشود» (Bakaria. 2016: 61). به نحوی که بعضی از منابع علوم جنایی، با رد شدت مجازات‌ها، سرعت در تعقیب و کاهش مدت فرایند کیفری را مناسب‌ترین راهکار برای کاهش بزهکاری می‌دانند. البته «اختصاری کردن دادرسی، یک رویکرد ضروری برای پاسخدهی به نیازمندی‌های روزگار کنونی است» (khaleghi. 2014: 71).

ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با الحاقات و اصلاحات بعدی (۱۳۹۴) عبارت

¹. Reasonable Period- Reasonable time.

². Delai raisonnable

³. Equality of arms.

⁴. Public hearing.

⁵. Face to face trid.

«رسیدگی در کوتاه‌ترین مهلت ممکن» را ذکر کرده‌است. سرعت در رسیدگی و به صورت منصفانه حق متهم و حتی شاکی است. لذا در صورتی که تسریع دادرسی، دقت را بکاهد حقوق متهم تضییع شده و موجب نقض غرض است. ازاین رو آنچه «در قانون آیین دادرسی کیفری ذکر شده، به تبعیت از ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، همان «مهلت معقول» به عنوان یکی از اصول دادرسی منصفانه است که بیانگر آن است که فرایند کیفری، ضمن تضمین دسترسی بموقع و شفاف و توأم با دقت نباید در مدت زمانی طولانی ادامه یابد یا اینکه در ظرف زمانی کوتاه (بدون در نظر گرفتن حقوق متهم و بزه دیده) به انجام رسد» (Ashouri, 2009: 27) به دیگر بیان، «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، به عمد در این قلمرو از عبارت «متعارف» استفاده کرده‌است و باگزینش این اصطلاح، به مقامات عمومی متذکر شده که تدقیق در رسیدگی نباید تحت الشعاع تسریع قرار گیرد» (Ghorbani, 2011: 172). از اینرو ضرورت دارد مفهوم مهلت معقول بازشناسی شده تا مانع از این شود که این تعبیر در مفهوم تسریع خلاصه گردد. «اصل رعایت عنصر زمان از جمله اصولی است که به عنوان یکی از تضمینات لازم‌الرعایه، در اکثر نظام‌های حقوقی، مطرح گردیده و به نوعی همراه با دیگر قواعد دادرسی عادلانه، تأمین‌کننده حقوق دفاعی متهم در جریان دادرسی (به معنای اعم) می‌باش (Ebrahimivarkiani, 2010: 185). رعایت عنصر زمان به طور صریح در قوانین ما یافت نمی‌شود و تنها مصادیقی از آن را می‌توان در لابه‌لای مواد قانونی از جمله واژه‌های «اسرع وقت» یا «بلافاصله» یا «اولین فرصت» یافت. تعریف جامعی از این اصل در رویه قضایی نیز به چشم نمی‌خورد و «اصل رعایت زمان مطلوب را در اجتناب از اطاله و هرگونه تأخیر غیرموجه خلاصه کرده و آن را با تسریع در رسیدگی مترادف پنداشته و ضرورت تسریع رسیدگی قضایی را جایگزین اصل رعایت عنصر زمان نموده‌اند» (Fakhar tousi, 2012: 336). لذا با درک مبانی و به تبع آن، هویدا شدن ریشه‌های مشروعیت این اصل، «عوامل موثر در کاهش یا تطویل فرایند کیفری مشخص می‌گردد به‌ویژه اینکه در آیین دادرسی کیفری، ارزیابی رفتار مقامات صالح بسیار حائز اهمیت است» (Kaija, 2013: 739).

۳- تاریخچه بایسته‌های رعایت مدت زمان معقول

امروزه در قوانین داخلی کشورها و اسناد بین‌المللی حقوق بشر، متهم از حقوق دفاعی و تضمینات دادرسی عادلانه برخوردار است. اگرچه در بسیاری از جوامع، رعایت این مهم در ثنوری، بسیار مطمح نظر است اما در رویه قضایی، نقض آن فراوان به چشم می‌خورد؛ «اینکه چرا باید از قانون اطاعت کرد؟ و چه نیرویی پشتیبان آن است و چه جاذبه‌ای ما را به اجرای قواعد آن

¹. Procedure Prolong

و اداری می‌سازد؟ این نیرو و جاذبه پنهانی را مبنای حقوق نامیدند» (katouzian. 2011: 19). لذا واکاوی مبنای، بایسته‌های حقوق دفاعی اشخاص از جهت تئوری و عملی ضروری می‌باشد. مبنای اخلاقی مؤید آن است که «کرامت انسانی یکی از اصول مورد احترام و مقبول تمامی جوامع است که تحت تاثیر آن، شاهد تلطیف و انسانی شدن حقوق کیفری خواهیم بود» (Bradly. 2001: 19). در حوزه جرم‌شناختی «بزهکاران با توجه به رویکردهای هزینه-فایده‌رو به سوی پدیده‌های مجرمانه می‌آورند» (Grattet and Jenness. 1998: 248). «اصل حداکثر سود و کم کردن هزینه متأثر از علم اقتصاد در دیگر رشته‌های علوم انسانی از جمله علوم سیاسی، علوم اجتماعی، جغرافیا، حقوق و ... نیز مطرح می‌شود» (Elham, Daneshnari. 2014: 62). ژرمی بنتام فیلسوف انگلیسی بر اساس نظریه اصالت لذت و گزینش حسابگرانه که ریشه در جرم‌شناسی کلاسیک^۱ دارد، معتقد است: چنانچه بزهکار، منافع حاصل از ارتکاب جرم را بیشتر از هزینه‌های آن برآورد نماید، به‌سوی ارتکاب جرم سوق پیدا می‌کند و بالعکس. به اعتقاد گاری بیکر^۲ اقتصاددان قرن ۱۷، بزهکار فردی است هدفمند و ورود وی به دنیای مجرمیت جهت کسب حداکثر سود است. طبق این نظریه «بزهکار با توجه به منافع و هزینه‌های حاصل از ارتکاب جرم، به‌سوی پدیده‌های مجرمانه حرکت می‌کند» (Siegel. 2012: 84). بکاریا نیز بر این باور بود که سرعت در فرایند کیفری، به ویژه «سرعت در اجرای مجازات، باعث می‌شود بزهکاران احتمالی و واقعی، نظام عدالت کیفری را نسبت به بزهکاری سختگیر بدانند و پیامدهای بزهکاری، تا اندازه‌ای که امکان دارد، برای آنان محسوس باشد.» (Bakaria. 2016: 83) از آنجاکه یکی از نمودهای اساسی برای اجرای بهتر سازکارهای مجازات، تسریع در فرایند کیفری می‌باشد لذا «رعایت مدت معقول فرایند کیفری و سرعت بخشی به اجرای کیفر، نقش به‌سزایی در کاهش میزان بزهکاری ایفا می‌کند» (Nourian. 2017: 234).

توجه به مدت دادرسی، جزئی از بایسته‌های حقوق بشر، پیش از آن که به صورت رسمی مطرح گردد، نیازمند رشد فکری و استقرار فرهنگ مردم سالاری بوده که «دموکراسی بدون احترام به حقوق بشر غیرممکن است و بدون دموکراسی نیز هیچ حقوق بشری تحقق نمی‌یابد.» (Rahimi. 2019: 66) زیرا تبعیت قانون از اراده حاکم، بی‌توجهی به حقوق و آزادی‌های بشر و نفی آن، دولت‌های اقتدارگرا را در ردیف ناقضین حقوق بشر قرار می‌دهد لذا «حقوق بشر صورت تکامل یافته مفاهیم ابتدایی تر قانون طبیعی و حقوق طبیعی است» (Hayden. 2013: 305). «حقوق

¹. Cost-benefit approaches

². Gemy Bentham

³. Classic criminology

⁴. Gary bicker

طبیعی از آن جهت که از طبیعت انسان سرچشمه می‌گیرد و در قانون طبیعت یافت می‌شود مبنای حقوقی برای برخورداری انسان‌ها از حقوق بشر، از جمله دادرسی عادلانه تلقی گردیده‌است» (Symonides. 2018: 37). حق دفاع از جمله حقوق طبیعی افراد بوده و قانونگذار مکلف به پذیرش و حمایت از آن است. از این رو «حقوق بشر نباید بواسطه تغییرات سیاسی یا قدرت حاکم از بین برود بلکه فقط قانون باید تاثیرگذار باشد» (Fazio. , 2019: 33).

در اسناد مختلف ملی (اصلاحیه هفتم قانون اساسی آمریکا ۱۹۷۱)؛ اسناد منطقه‌ای (بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر) و در اسناد جهانی (قسمت ج بند ۳ ماده ۴ میثاق حقوق مدنی سیاسی و ماده ۶۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی) با همین عبارت درج و رعایت آن به عنوان یکی از حداقل تضمینات دادرسی عادلانه مطرح گردیده‌است.

در اسناد بین‌المللی حقوق بشر از جمله مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر «انسان‌ها به لحاظ اینکه دارای حیثیت و کرامت انسانی برابر هستند، از حقوق و وظایفی برخوردار خواهند بود». (Fattahi zafarghandi. 2016: 22) و در این خصوص هیچ تفاوتی از نظر جنس، رنگ، مذهب، قومیت و سایر موارد وجود ندارد. بر این اساس قسمت ج از بند ۴ ماده ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی با عنوان محاکمه بدون تاخیر غیرموجه و همچنین بند ۱ ماده ۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر با مضمون رسیدگی در مهلت معقول و بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر با ذکر عنوان مدت معقول به رسمیت شناخته شده‌است که پس از ذکر تاریخچه و بررسی بایسته‌های این حق به رویکرد اسناد فوق پرداخته می‌شود.

۴- رویکرد نظری حقوق داخلی و اسناد بین‌المللی بر رهیافت‌های نوین

برای پرداختن به رهیافت‌های نوین ضروری است تا رویکرد نظری در حقوق داخلی و همچنین اسناد بین‌المللی اعم از اسناد جهانی و منطقه‌ای مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته تا یافته‌های تحقیق براساس آن نتیجه‌گیری شود.

۴-۱- رویکرد نظری حقوق داخلی و اسناد بین‌المللی

پذیرش یا عدم پذیرش رعایت مدت زمان معقول فرایند کیفری در تطبیق حقوق داخلی با اسناد بین‌المللی مستلزم کنکاش و واکاوی مستندات قانونی در هر یک از این دو مقوله می‌باشد.

۴-۱-۱- حقوق داخلی

قانون اساسی ایران در اصل ۳۲ به حق متهم در ابلاغ و تفهیم اتهام و محاکمه در اسرع

¹. Sixth Amendment to the United States Constitution 197.

وقت اشاره کرده‌است. از طرفی ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری با الحاقات و اصلاحات بعدی (۱۳۹۴) اشعار می‌دارد: «مراجع قضایی مکلفند تا با بی‌طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند». لذا رعایت این حق، مبنای قانونی دارد؛ چه اینکه «هدف از سرعت در فرایند کیفری و محاکمه از بین بردن حس عدم امنیت و نیز قطع تمام فشارهای روحی و روانی و اجتماعی ناشی از انتساب اتهام به متهم و حتی بستگان وی است» (Bradly. 2001: 19). این که فرایند مذکور از چه زمانی شروع می‌شود و ختم آن کجاست تا بتوان اعمال آن را نظارت نمود؛ برخی معتقدند «آغاز این فرایند زمانی است که پیرو وقوع جرم، اتهام کیفری به شخصی وارد می‌گردد» (Adeline. 2003: 356). که بنظر می‌رسد به زمان شروع تفهیم اتهام اشاره دارد هرچند برخی دیگر «اعلام قضایی یا ارسال یا دریافت اخطار دادرسی کیفری یا تاریخ نصب و کیل را به عنوان آغاز می‌دانند» (Roagn. 2018: 17). طبق این دیدگاه آغاز این مرحله، از لحظه تحت تعقیب و یا تحت نظر را نیز شامل می‌شود که موافق اصول دادرسی عادلانه می‌باشد. ماده ۹۴ قانون اخیرالذکر اشعار می‌دارد: «تحقیقات مقدماتی باید به سرعت و به نحو مستمر انجام شود و ایام تعطیل مانع انجام آن نیست». همچنین در ماده ۵ همان قانون با قید «اسرع وقت»، حق دسترسی متهم به وکیل و حقوق دفاعی و اطلاع از موضوع و ادله اتهام و نیز سرعت بخشیدن در تحقیقات مقدماتی مورد اشاره قرار گرفته که مختص مرحله پیش‌دادرسی است و اهمیت آن در مرحله دادرسی یعنی محاکمه در دادگاه، با انشاء بند ب ماده ۳۴۰ و مواد ۳۴۱، ۳۸۸، ۳۸۷ و ۳۸۹ قانون پیش گفته شده، مورد تاکید واقع شده است؛ همچنین «در مرحله اجرا، قاضی اجرای احکام مکلف به کسر ایام بازداشت قبلی در صورت عدم احتساب آن از سوی قاضی صدور حکم می‌باشد» (Aghaei. 2020: 21). نکته حائز اهمیت اینکه قاضی اجرای احکام مکلف به تعیین وقت پرونده، حداقل ۱۰ روز قبل از اتمام مدت حبس است و این توجه مقنن به رعایت مدت معقول فرایند کیفری در مرحله اجراست.

۲-۱-۴- اسناد جهانی

اسناد جهانی، مجموعه‌ای از هنجارهای حقوقی خاصی است که روش‌هایی را برای نظارت بر تعهدات بین‌المللی دولت‌ها فراهم می‌سازد که دولت‌ها با تبعیت از این هنجارها، ساختار قانون‌گذاری داخلی را تعیین می‌نمایند که از این رهگذر، کل سیاست‌های داخلی دولت‌ها می‌تواند مورد ارزیابی و داوری بین‌المللی قرار گیرد که «این سیاست داخلی اصولاً به گونه‌ای موثرتر نظم و نسق می‌یابند» (Gregory. 2001: 342-344) در این قسمت از دو سند بین‌المللی مهم، سخن می‌گوییم:

۱-۲-۱-۴- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛^۱ این سند حقوق بشری با تاسی از اعلامیه جهانی حقوق بشر،^۲ با اجماع آراء توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد. کشور ما نیز در اسفند ۱۳۵۴ به آن ملحق گردید. در بند ۳ ماده ۹ این پروتکل به لزوم احضار و محاکمه متهم در مدت معقول اشاره دارد. همچنین شق ج بند ۳ ماده ۱۴ آن ضمن تأکید بر محاکمه بدون تاخیر غیرموجه، آن را از حداقل تضمینات دادرسی عادلانه دانسته است.

۲-۲-۱-۴- اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی؛^۳ با تلاش نمایندگان ۱۶۰ کشور جهان از جمله ایران در کنفرانس دیپلماتیک رم جهت تدوین و نهایی کردن اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، سرانجام در اول جولای ۲۰۰۲ این سند لازم‌الاجرا شد. در ماده ۶۰ اساسنامه مدت غیرمعقول بازداشت متهم قبل از محاکمه، به جهت تاخیر ناموجه دادستان اشاره شده و همچنین در مواد ۶۱ و ۶۷ این اساسنامه، ضرورت اطلاع متهم از اتهام، مستندات دادستان و تشکیل جلسه پیش‌بینی گردیده است. در این مواد به مدت متعارف و مناسب و رسیدگی مطلوب و سریع و بدون تاخیر ناموجه اشاره گردیده که در نهایت ماده ۷۵ اساسنامه، ضمانت اجرای عدم رعایت آنرا، جبران خسارت و پرداخت غرامت تعیین نموده است. البته در این خصوص رای، جهت بررسی رویه قضایی یافت نشد.

۳-۱-۴- اسناد منطقه‌ای

مهمترین اسناد منطقه‌ای که موید ضرورت رعایت مهلت معقول فرایند کیفری است، به قرار ذیل می‌باشد:

۱-۳-۱-۴- کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین^۴ که از آن به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نام برده می‌شود. به موجب بند ۳ ماده ۵ و بند ۱ ماده ۶ این کنوانسیون، از لحظه دستگیری یا بازداشت متهم تا محاکمه، ظرف مدت معقول تأکید شده است. البته «دیوان در رای بروگان»^۵ به تفسیر واژه «بلافاصله» یا «هرچه زودتر» پرداخته است» (Ashouri, 2015: 493) و ضمانت اجرای تخلفی از آن و محرومیت فرد از حق آزادی از لحظه دستگیری یا بازداشت، طبق بند ۴ ماده ۵ این کنوانسیون، حق اقامه دعوی می‌باشد. علاوه بر آن، در بند اول ماده ۶ کنوانسیون، به ضرورت حق تشکیل جلسه استماع منصفانه نسبت به حقوق و تعهدات مدنی و نیز اتهام کیفری علیه متهم به صورت

^۱ International Covenant on Civil and Political Rights, 1966

^۲ Universal Declaration of Human Rights, 1948

^۳ Rome Statute of the International Criminal Court, 1998

^۴ European Convention on Human Rights, 1950.

^۵ Brogan

علنی با رعایت مدت معقول در دادگاه بی طرف و مستقل، برای اشخاص تاکید شده است. «هرچند در پرونده مامدوا روسی، در هیچ مرحله‌ای از دادرسی مقامات داخلی در مدت معقول، رسیدگی نکرده‌اند و مدت معقول هرگز اعمال نشده است.» (McBride, 2009: 102) که این موضوع در دیوان مطرح شد. «براساس رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر، دادرسی منصفانه، یعنی شخص از مزایای آن عیناً بهره‌مند گردد» (Nasiri, 2020: 39). لازم به ذکر است فقط «بعد از تمام شدن مراحل رسیدگی داخلی، دادگاه می‌تواند به موضوع رسیدگی کند.» (Edel, 2007: 79)

۲-۳-۱-۴- کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر^۱ این سند، با عضویت کشورهای حوزه دریای کارائیب و آمریکای لاتین تصویب و در ۱۹۷۸ لازم‌الاجرا شده است. مقر آن در واشنگتن بوده و مرکز تأسیس دادگاه در سن خوزه می‌باشد. مستفاد از بندهای ۵ و ۶ ماده ۷ این کنوانسیون، فرد دستگیر یا بازداشت شده، باید در اسرع وقت نزد قاضی یا مقام صالح دیگری که می‌تواند اعمال صلاحیت‌های قضایی کند، حاضر گردد و محاکمه در مهلت معقول از حقوق وی است. همچنین برابر بند اول ماده ۸ این کنوانسیون، رسیدگی با تضمینات کافی، ظرف مهلت معقول توسط مرجع قضایی صالح و مستقل برای هر شخص پیش بینی شده است. «به موجب اصلاحیه هفتم قانون اساسی آمریکا، این حق شناسایی شده و مطابق رویه قضایی در دادگاه‌های فدرال این کشور، محاکمات جزایی باید ظرف ۷۲ روز بعد از تقدیم کیفرخواست انجام شود و در دادگاه‌های نظامی این مدت به ۱۲۰ روز می‌رسد.» (Saber, 2009: 207).

۳-۳-۱-۴- منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم^۲ این سند در نایروبی توسط دول عضو سازمان وحدت آفریقا تصویب و پس از ۵ سال لازم‌الاجرا شد، در بند ۵ بخش اول ماده ۷ منشور، حق محاکمه ظرف مهلت معقول توسط دادگاه یا دیوان مستقل برای هر شخص پیش‌بینی شده است. البته در این مورد رأیی جهت بررسی رویه قضایی یافت نشد. در تمامی اسناد مذکور صرفاً از رعایت مهلت معقول سخن به میان آمده، لکن به ضابطه مشخصی اشاره نشده است. که به نظر می‌رسد، هدف از تصویب این اسناد و حتی قوانین حقوق داخلی، صرفاً شناسایی این حق بوده و ضابطه تعیین مهلت و موجه بودن این مدت به نوعی به مقام رسیدگی‌کننده به پرونده واگذار شده که این امر یقیناً چالش رویه قضایی متفاوت در مقوله مدت زمان متعارف فرایند کیفری را به دنبال خواهد داشت.

¹. American Convention on Human Rights, 1969

². African Charter on Human and Peoples' Rights, 1981

۲-۴- رهبافت‌های نوین رعایت مدت معقول در فرایند کیفری

عدم رعایت مدت معقول در رسیدگی‌های کیفری برخلاف رسیدگی‌های حقوقی به هیچ وجه قابل توجیه نمی‌باشد، چرا که رسیدگی با تأخیر و با گذشت مدت طولانی از تاریخ وقوع جرم، اثر بازدارندگی و ارباعی مجازات را از بین برده و موجب تجری افراد به ویژه مجرمین حرفه‌ای و یأس و نومیدی مردم و بی‌اعتمادی آنها به دستگاه قضایی می‌گردد. لذا جهت به کارگیری از سیستم‌های نوین دادرسی، ضروری است تا به چند مورد آن اشاره شود.

۱-۲-۴- ضرورت دادرسی اختصاری

در نظام حقوقی ایران، دادرسی اختصاری شامل ادعای شفاهی دادستان در دادگاه و دادرسی بدون کیفرخواست (دادرسی مستقیم در دادگاه) است. ادعای شفاهی دادستان در ماده ۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با الحاقات و اصلاحات بعدی (۱۳۹۴) پیش بینی شده‌است. در این شیوه باید متهم و شاکی حاضر یا متهم حاضر و شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد و تحقیقات مقدماتی هم کامل باشد که «در این شرایط دادستان می‌تواند راساً یا به درخواست بازپرس، با اعزام متهم و در صورت حضور شاکی به همراه او دعوای کیفری را بلافاصله بدون کیفرخواست به صورت شفاهی مطرح کند» (Tahmasbi, 2016: 282). دادرسی بدون کیفرخواست، یعنی بدون دخالت دادسرا، امر تحقیقات مقدماتی به عهده مرجع رسیدگی می‌باشد. با اینکه «اصولاً باید قبل از رسیدگی به هر اتهامی در دادگاه، تحقیقات مقدماتی در دادسرا انجام گرفته و پس از احراز وقوع جرم و کافی بودن دلایل توجه اتهام به متهم، قرار جلب به دادرسی و کیفرخواست در مورد آن صادر شده باشد تا اقدام به محاکمه متهم نماید، اما استثنائاً در برخی موارد، تحقیقات مقدماتی در دادسرا انجام نشده و قانونگذار انجام آن را به دادگاه واگذار نموده‌است تا تحقیق و دادرسی در یک مرجع صورت گیرد» (Khaleghi, 2016: 182). این شیوه در دادرسی کیفری می‌تواند به رعایت مهلت معقول فرایند کیفری کمک نماید.

۲-۲-۴- برگزاری دادرسی‌های الکترونیکی

دادرسی الکترونیکی با به کارگیری تجهیزات الکترونیکی، ثبت، پردازش و تبادل اطلاعات و حتی محاکمات برخی جرایم کم اهمیت است که به عنوان تاسیسی جدید به همراه رایانه‌ای شدن امور، مطرح شده و فرض بر آن است که نقش به سزایی در عادلانه کردن رسیدگی کیفری داشته باشد. به گونه‌ای که سرعت را تضمین نماید و در پایان امر نیز سیستم اطلاعاتی، جهت انجام امور کیفری طراحی و ارائه گردد» (Fazeli, 2014: 37). تاثیر مثبت دادرسی الکترونیکی بر دادرسی منصفانه در ایجاد نظم در امور، دقت در رسیدگی، بی‌طرفی در ارجاع پرونده‌ها، یکپارچه‌سازی پرونده‌ها و اطلاع‌یابی سریع از فرایند کیفری است و «جلوه‌های این تاثیر مثبت را می‌توان در تضمین بهتر حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه و تسهیل اقدام از سوی اشخاص درگیر در پرونده، شفاف‌سازی در پرونده‌ها و اعمال مناسب‌تر ضمانت‌اجراها دید» (Jalilifarhani, 2013: 76).

۳-۲-۴- تخصصی شدن پلیس و فرایند تحقیقات مقدماتی

رعایت حداقل تضمینات دادرسی عادلانه از نوع حقوق بشر است. حقی نیست که دستگاه قضایی به جامعه واگذار کرده باشد تا بتواند از اشخاص سلب نماید. لذا دستگاه قضایی باید تدابیر لازم جهت رعایت حقوق متهم و حمایت از آن را فراهم نماید و امکانات لازم در اختیار متهم بگذارد تا بتواند در صورت بی‌گناهی از اتهامات ناروا تبرئه شود. از بارزترین این حقوق می‌توان به اصل حاکمیت قانون، قانونی بودن جرایم، مجازاتها، محاکمه، اصل برائت و فرض بی‌گناهی، اصل علنی بودن دادرسی و استقلال و بی‌طرفی دادگاه و تساوی افراد به ویژه اصل رعایت مدت معقول در فرایند کیفری نام برد. در حمایت از اصل اخیرالذکر با تخصصی کردن پلیس و حضور پلیس قضایی در جریان عدالت کیفری از کشف جرم تا اجرای حکم، با توجه به نوع کار و مشخصه‌هایی که در قانون به آن اشاره شده است و نیز انجام تحقیقات مقدماتی توسط قضات دادسرا که در زمینه‌های مشخص کیفری تبحر دارند، می‌توان به اجرای این اصل امیدوار بود. هرچند طرح احیای واحد پلیس قضایی یا تخصصی کردن پلیس در اسنادی پیش بینی شده بود اما در قانون جدید جای این واحد خالی است. صرف نظر از اهمیت این موضوع، تخصصی بودن دادسراها به ویژه قضات آن از حیث تحقق دادرسی عادلانه، ضرورتی انکار ناپذیر است. چه اینکه «با احترام به حقوق شهروندان و نگاهداری اقتدار نهادهای نظم و امنیت و رعایت حریم خصوصی آنها، نتایج این اقدامات، پاسخ‌گویی به خواسته‌های مدنی و حقوقی اجتماع را دربردارد. همچنین رضایت‌مندی شهروندان از کوشش مجموعه نهادها و سازمان‌های سامان‌دهنده نظم و امنیت فراهم می‌سازد» (Sadeghmanesh, 2016: 67).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

زمان معقول در فرایند کیفری به عنوان یکی از اصول راهبردی دادرسی کیفری در کنار سایر تضمینات دفاعی، همچون اصل برابری سلاح، اصل علنی بودن دادرسی، اصل محاکمه حضوری و غیره شاکله دادرسی عادلانه را پی‌ریزی نموده و از جمله حقوق بشر است که در اسناد مختلف جهانی و منطقه‌ای به این مهم اشاره شده و ضمن تأکید به رعایت آن، ضمانت اجرای مشخصی نیز تعیین گردیده است از جمله کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، دولت ناقض این حق را با محکومیت به جبران عادلانه خسارت مواجه می‌سازد. اگرچه نامعقول بودن مهلت رسیدگی اصولاً به اوضاع و احوال هر پرونده بستگی دارد و معمولاً عناصر مورد توجه در نقض این حق و تشخیص عادلانه یا غیر عادلانه بودن مهلت رسیدگی به پرونده، متاثر از پیچیدگی‌های قوانین کشورها، فنی بودن برخی پرونده‌ها از جهت نوع جرم، میزان مجازات، مراجع قضایی ویژه و اختصاصی، نبود سیستم

۱. قانون برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۹۰

یکپارچه دادگستری و سایر مراجع دخیل در فرایند کیفری، نداشتن نیروی متخصص، اعمال متهم و مقامات صلاحیت‌دار می‌باشد. گاهی این اقدامات، حق یا تکالیفی است که متوجه شاکی یا مدعی خصوصی بوده و باید در مدت معقول اعمال یا انجام شود، مانند: اقامه دعوی، اعتراض به آراء، ارائه مستندات به دادگاه، مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم، تقاضای اجرای حکم و غیره. گاهی این حق و تکالیف متوجه متهم یا محکوم‌علیه است که باید در وقت معینی اعمال شود مانند: حضور نزد مقام قضایی، اعتراض به آراء، ارائه مستندات و تدارک دفاع، معرفی وکیل و غیره. گاهی این موارد متوجه شخص ثالثی غیر از طرفین دعوی است مانند: شهود و مطلعین، مترجم، کارشناس، ضابطان و غیره. در نهایت گاهی این حق و تکالیف قانونی متوجه مقام قضایی رسیدگی‌کننده به پرونده است که باید در زمان معینی اقدام به انجام امر یا اتخاذ تصمیم قضایی نماید. اکنون مشخص شد آنچه که به روند دادرسی، هویت و موضوعیت می‌بخشد، مدت زمانی است که باید اقدامات لازم قضایی و قانونی (از سوی شاکی، متهم، ثالث یا مقام قضایی) در طی آن انجام گرفته و نهایتاً برآیند آن منجر به نتیجه مشخص و صدور رای قاطع گردد. لیکن از آنجایی که این اصل دارای بایسته‌هایی است که قبلاً بیان شد و مهم اینکه این بایسته‌ها در واقع شالوده بسیاری از حقوق اساسی اشخاص، که همان حقوق بشر است، را تشکیل می‌دهند که با پی بردن به این مبانی حقوق بشری و تدوین قوانین ملی مطابق با استانداردهای دادرسی عادلانه، می‌توان با رهیافت‌های نوین اشاره شده در مقاله و اجرای دقیق آنها، دادرسی عادلانه را بر نظام قضایی کشور استوار نمود. در نتیجه، با تشریح مبانی این حق و بررسی اسناد بین‌المللی و تدقیق در مواد قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با الحاقات و اصلاحات بعدی (۱۳۹۴)، به این نتیجه دست می‌یابیم که اگر چه در اسناد بین‌المللی حقوق بشری، ضابطه مشخصی برای تعیین مدت معقول وجود ندارد لیکن عوامل گوناگون تاثیرگذار در این فرایند از قبیل مقررات داخلی، پیچیدگی پرونده، نوع اتهام، اعمال مقامات قضایی و غیره را مورد توجه قرار داده‌است. مضافاً اینکه برخی از اسناد بین‌المللی منطقه‌ای، برای دولت ناقض مفاد کنوانسیون، ضمانت اجرای بسیار سخت تعیین نموده است. اما قانونگذار ما بدون لحاظ عوامل مذکور، حتی به رعایت مدت معقول نیز توجهی نکرده و صرفاً با اشارات مجمل از قبیل «اسرع وقت»، «به سرعت»، «فوری» و «کوتاه‌ترین مهلت ممکن» بسنده کرده است و تمایلی به تعریف، تبیین و ذکر بایسته‌های نوین مدت معقول فرایند کیفری نشان نداده‌است. لذا پیشنهاد می‌شود با اقتداء به بایسته‌ها و رهیافت‌های نوین حقوق بشر از طریق اجرای دقیق و کامل دادرسی الکترونیکی به ویژه در صورت حضور وکیل، دادرسی اختصاری، تخصصی کردن ضابطان و مقامات تحقیق و قضات دادگاه، قطعیت آراء جرایم کم اهمیت پس از رسیدگی در دادگاه بدوی متشکل از تعدد قاضی، الزامی کردن حضور وکیل در تمامی محاکم کیفری به منظور هدایت صحیح فرایند کیفری، در تحقق دادرسی عادلانه گامی موثر برداشته تا شاهد اعمال سلیقه‌های متفاوت قضایی در موارد مشابه نباشیم.

References

1. Adeline, G et autres. (2003). *Les grand arrest de la Cour europeenne des Droits de l'Homme*. Paris. Sixth Edition.
2. African Charter on Human and Peoples' Rights. 1981.
3. Aghaei Jannatmakan, H. (2020). Assessing and Measuring the Calculation of Frequency of Detentions Prior to Court Rulings. *Criminal Research Law*. 11(1) 7-24. **(In Persian)**
4. American Convention on Human Rights. 1969.
5. American Declaration of the Rights and duties of Man. 1795.
6. Ashouri, M. (2009). *Criminal Procedure*. Tehran: The Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities. (SAMT). Eleventh Edition. **(In Persian)**
7. Bakaria, C. (2016). *Treatise on Crimes and Punishments*. Translated by Ardebili, M. Tehran: Mizan. seventh edition. **(In Persian)**
8. Bradly, A. (2001). *European Human Rights Law*. Text and Materials. Oxford Press. second Edition.
9. Criminal Procedure Code approved in 2014.
10. Ebrahimi Varkiani, F. (2010). *The right to a fair trial for children in conflict with the law*. Tehran: Javadneh Publishin. first edition. **(In Persian)**
11. Edel, F. (2007). *The length of civil and criminal proceedings in the case-law of the European Court of Human Rights*. Second edition.
12. Elham, Gh. Danesh Nari, H. (2014). A reflection on the theory of computational selection, Foundations and Territory. *Transformation Studies in Humanities*. 2(2). 45-62. **(In Persian)**
13. European Convention on Human Rights. 1950.
14. Fakhari Tusi, J. (2012). *Defendants' rights*. Qom: Institute of Islamic Sciences and Culture. first edition. **(In Persian)**
15. Fattahi Zafarghandi, A. (2016). *Introduction to the Concepts of Public Law and the Study of the Concept of Justice Office of Islamic Systems Studies*. Guardian Council Research Institute. **(In Persian)**
16. Fazeli, H. (2014). *Essentials and Challenges of Electronic Criminal Procedure*, Master

Thesis. **(In Persian)**

17. Fazio, D., (2019), *International Studies Journal (ISL), Human Rights and the International Community*, Vol.15, No 4 (60).

18. Gholizadeh, E, Mirzajani, H., (2017). Individualizing the Criminal Response of the Pre-trial Stage (prosecution) in Iranian Criminal Law with a View to the Relevant Legal Standards in French Law. *Quarterly Journal of Political Science. Law and Jurisprudence*. Volume 3. Number 1/4. **(In Persian)**

19. Ghorbani, A. (2011). *Fair Trial in the Procedure of the European Court of Human Rights*. Qom: Publishing Law Today. **(In Persian)**

20. Grattet, J. (1998). *The Homogenization and Differentiation of Hate Crime Law in the U.S*. American sociology review. vol 63.

21. Gregory H. Fox., Brad R. Roth. (2001). *Democracy and International Law. Review of International Studies*. Vol. 27. No.3.

22. Hayden, P. (2013). *Philosophy of Human Rights*, Translated by Mehdi Yousefi and Reza Almirzaei, Under the Supervision of MohammadJavad Javid.

23. Jafari Langroudi, M.J. (2001). *Legal Terminology*. Tehran: Ganje Danesh, Eleventh Edition. **(In Persian)**

24. Jalali Farahani, A.H. (2013). *Electronic Trial: From Case Management to Litigation Management. Research Requirements in the Criminal Justice System the First National Conference on Criminal Justice Research; Opportunities and Challenge*. Tehran: Mizan. **(In Persian)**

25. Kaija, S. (2013). *Completion of Criminal Proceeding within a Reasonable Time in Lavita. Criminal Proceedings in the Case-Law of the - European Court of Human Rights*. 2nd Edition.

26. Katouzian, N. (2011). *Introduction to Law and Study in the Iranian Legal System*. Tehran: Enteshar Co. Seventy-Fourth Edition. **(In Persian)**

27. Khaleghi, A. (2014). *Notes on the Code of Criminal Procedure*. Tehran: Shahre Danesh. Third Edition. **(In Persian)**

28. Khaleghi, A. (2016). *Criminal Procedure Code*. Tehran: Shahre Danesh. Volume One. Thirteenth Edition. **(In Persian)**

29. Leach, Ph. (2017). *Taking a Case to European Convention of Human Rights*. Blackstone Press Limited. Fourth Published.

30. McBride, J. (2009). *Human Rights and Criminal Procedure the Case Law of the European Court of Human Rights*. Council of Europe.
31. Molaverdi, Sh. (2016). The Effect of International Criminal Laws and Tribunals on Human Rights and Humanitarian Laws. *International Studies Journal*. Vol. 13(1). 119-126. **(In Persian)**
32. Nasiri, M. (2020). A Comparative Study of the Manifestations of Fair Criminal Procedure in ADC Law and ADC French Law of Symbolic or Pragmatic. *Quarterly, Jurisprudence and Criminal Law*. No. 1. 39-56. **(In Persian)**
33. Nourian, N. Salimi, E. (2017). Reasonable Time in the Criminal Pre-Trial Stage from Enforcement Mechanisms to Guaranteeing the Implementation of Violations. *Quarterly Journal of Parliament and Strategy of the Twenty-Fourth Year*. Winter. No. 92. 229-253. **(In Persian)**
34. Pradel, J. Corstens, G. Vermeulen, G. (2015). *European Council of Criminal Law*. Translated by Mohammad Ashouri. Tehran: khorsandy. First Edition. **(In Persian)**
35. Rahimi, R. (2019). Responsibilities of Government and Private Sector Toward Human Rights. *International Studies Journal*. Vol. 15(3). 65-88. **(In Persian)**
36. Roagna, I. (2018). *The Right to Trial Within Reasonable Time Under Article 6 ECHR A Practical Handbook*. Council of Europe.
37. Rome Statute of the International Criminal Court. 1998.
38. Saber, M. (2009). *International Criminal Court Procedural Law*, Tehran: Dadgostar, First Edition. **(In Persian)**
39. Sadegh Manesh, J. (2016). *Judicial Officers*. Tehran: Judiciary. Press and Publications Center. **(In Persian)**
40. Siegel, I. (2012). *Criminology*. Wadsworth Cengage Learning. Eleventh Edition.
41. Sixth Amendment to the United States Constitution (1971).
42. Symonides, J. (2018). *Human Rights: Concept and Standards*. UNESCO.
43. Tahmasbi, J. (2016). *Criminal Procedure Code*. Tehran: Mizan. Volume 2. Second Edition. **(In Persian)**
44. Universal Declaration of Human Rights. 1948.